

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال یازدهم، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵-۷۰

علل و تعیین‌کننده‌های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران

علی قاسمی اردهابی^۱

رضا نوبخت^۲

چکیده

در سال‌های اخیر، نتایج سرشماری‌ها ظهور روند جدید مهاجرت داخلی با عنوان مهاجرت معکوس در ایران را نشان می‌دهد. جهت شناخت و تحلیل بهتر مهاجران معکوس، ۱۲۱۰۰ مهاجر معکوس در زمینه تعیین‌کننده‌ها و علل مهاجرت با ۲۳۷۰۰ مهاجر کلان شهری حاصل از نمونه دو درصد سرشماری ۱۳۹۰ مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته‌اند. با توجه به ویژگی‌های طبیعی و زیست-محیطی متفاوت روستاها و نیز وضعیت زیرساختی، اقتصادی، تجاری و سیاسی متفاوت کلان‌شهرها، مهاجران معکوس وارد شده به نقاط روستایی استان‌های مختلف و نیز مهاجران وارد شده به کلان‌شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز و قم، دلایل اجتماعی و اقتصادی متفاوتی را برای این مهاجرت خود بیان داشته‌اند. مهمترین تفاوت دو گروه از مهاجران در علت مهاجرت انجام و پایان خدمت وظیفه است که درصد به دست آمده برای مهاجران معکوس بسیار بیشتر از مهاجران به کلان‌شهرهاست. نوع شغل مهاجران مهمترین تبیین‌کننده احتمال وقوع

۱ استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤل)، ghasemi33@yahoo.com

۲ مربی جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، rz.nobakht@gmail.com

نوع مهاجرت‌های مورد مطالعه است. با تمرکز بر این تفاوت‌های مبنایی بین مهاجران معکوس و کلان شهری و نیز درون خود مهاجران هریک از این دو نوع مهاجرت، می‌توان برنامه‌های سیاستی جهت توزیع فضایی مناسب جمعیت در مناطق روستایی و کلان شهرهای کشور ارائه نمود.

کلید واژه‌ها: مهاجرت معکوس، مهاجران شهر به روستا، کلان شهرها، علل مهاجرت، شغل مهاجران.

مقدمه و بیان مسأله

در طی چندین دهه گذشته، مطالعه پدیده مهاجرت‌های داخلی با تاکید و تمرکز بر مهاجرت‌های روستا-شهری و مهاجرت به کلان شهرها بوده است. گردون^۱ (۱۹۷۹) شکل گیری شهری شدن گسترده در اکثر نقاط دنیا که منجر به شکل گیری چارچوب تحلیلی روستا-شهری شده را یکی از دلایل توجه ناچیز به اشکال دیگر مهاجرت از جمله مهاجرت به روستا دانسته است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، برخی کشورها به‌ویژه کشورهای صنعتی شکل جدیدی از مهاجرت را تجربه نمودند. ویژگی اصلی این نوع مهاجرت حرکت از شهرهای صنعتی بزرگ به سمت شهرک‌ها و روستاها بود. این نوع مهاجرت در مطالعات با عنوان مهاجرت معکوس^۲ شناخته می‌شود. اکثر محققان (براون و واردویل^۳، ۱۹۸۱؛ چامپیون^۴، ۱۹۸۹؛ فری^۵، ۱۹۸۹) بر این عقیده اند که این وضعیت ابتدا در دهه ۱۹۷۰ در امریکا مشاهده شده و سپس الگوهای مشابهی در اکثر کشورهای اروپای غربی و نیز کشورهایی مانند استرالیا، نیوزیلند، کانادا و ژاپن مشاهده شده است. پس در سطح جهانی، اولین نشانه‌های تغییر در الگوهای جمعیت روستا، شهرهای متوسط و کوچک به بعد از جنگ جهانی دوم (دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) بر می‌گردد که یک دهه بعد نیز منجر به پذیرش مهاجرت معکوس بعنوان یک حقیقت جمعیتی گردید. این عقب

1 Gordon

2 Reverse Migration

3 Brown and Wardwell

4 Champion

5 Ferry

افتادگی در طرح مهاجرت معکوس به عنوان یک مسئله جمعیتی را می‌توان به دو عامل نسبت داد. عامل اول به ویژگی‌های دهه‌های پنجاه و شصت میلادی برمی‌گردد. این دوران بر اساس ثبات روندهای تاریخی، تمرکز جمعیت در مناطق کلان شهر و نیز مدل‌های اقتصادی- جمعیتی تبیین‌کننده تمرکز جمعیت، استوار بود. عامل دوم به ماهیت داده‌های در دسترس برای مطالعه توزیع جمعیت برمی‌گردد که براساس آن روند جریان‌های مهاجرت معکوس چندان مشخص نبود. ولی از اوایل دهه ۱۹۷۰ مهاجرت معکوس به عنوان یک روند جابجایی جمعیت نوظهور مورد توجه محققان حوزه مهاجرت قرار گرفت.

برگشت جمعیت به مناطق روستایی، پیامدهای کاملاً متفاوتی نسبت به مهاجرت‌های شهری دارد که این تفاوت را می‌توان هم در سیستم استقرار و هم در سیستم‌های اجتماعی پیگیری نمود. بر این اساس، مهاجرت به عنوان روند ایجادکننده تعادل در نظر گرفته می‌شود. در این وضعیت، مهاجرت با عنوان سیستم انتقال برای رسیدن به بالاترین سطح مدرنیزاسیون، به پایان راه رسیده است (گیر و کونتولی^۱، ۱۹۹۶). این بدین معنی است که مهاجرت به عنوان یک واسطه تغییر اجتماعی تمایل دارد که تفاوت‌های موجود در فرهنگ، سبک زندگی و ترکیب جمعیتی شهر و روستا را کاهش دهد (لویس^۲، ۱۹۹۸). مهاجرت جمعیت به مناطق روستایی در طول دهه ۱۹۷۰ میلادی مباحث قابل توجهی را در زمینه ماهیت واقعی پدیده جریان جمعیت به سمت روستاها را مطرح نمود. سه موضوع در مورد این پدیده عنوان گردید: مورد اول به شیوع و فراوانی این پدیده و عوامل اساسی جریان مهاجرتی شهر اشاره داشت. دوم، بررسی رابطه تغییر جمعیت و تغییرات خالص مهاجرت بعنوان شاخص‌های تعیین‌کننده فرایند مهاجرت از شهر. سوم، اهمیت مهاجران وارد شده به روستاها و تاثیر گذاری آنها بر تغییرات اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور (لویس، ۲۰۰۰).

طبق ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنجم توسعه «دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی، ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستائیان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه

1 Geyer and Kontuly

2 Lewis

روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را به‌عمل آورد» (معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، ۱۳۹۲: ۱۹۰). این حمایت‌ها در ۱۷ بند مشخص شده است که بند چهارم آن «تدوین سیاستهای تشویقی در جهت مهاجرت معکوس و تثبیت نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه» در راستای مهاجرت معکوس می باشد (همان: ۱۹۱). اگر شرایط به نحوی تغییر یابد که ارتقای کیفیت زیستی و امکانات در روستا همراه با ارتقای سطح درآمد کشاورزی باشد، برخی از افراد زندگی در روستا را جایگزین جذابی برای محیط آلوده و پرهزینه شهری قلمداد نموده و اطرافیان و وابستگان خود را به روستاها خواهند کشاند.

نتایج سرشماری ۱۳۹۰ بیان کننده این واقعیت است که روند مهاجرت‌های روستا به شهر در طول ۳۵ سال اخیر دارای سیر نزولی منظمی بوده است و در این سرشماری درصد مهاجرت‌های شهر - روستا نسبت به روستا- شهر بیشتر بدست آمده است. این وضعیت مهاجرتی در ایران نشان دهنده شکل گیری جریان مهاجرت معکوس است که با وجود تاثیرگذاری آن در مبدا و مقصد، کمتر مورد توجه محققان و برنامه ریزان قرار گرفته است. عوامل جاذبه روستایی (ارزانی زمین و مسکن، هوای پاکیزه، نبود مشکلات شهری) و دافعه شهری (گرانی زمین و مسکن، فشارهای روحی و روانی، آلودگی هوا) و توسعه شبکه حمل و نقل، موجبات تحرک مکانی به صورت مهاجرت معکوس را فراهم نموده است.

در کل، مهاجرت معکوس در ایران از موضوعاتی است که کمتر به آن پرداخته شده است. نوظهور بودن این شکل از مهاجرت در ایران، کمبود اطلاعات به‌ویژه در سطح کل کشور و استانهای مختلف، مشکلات مربوط به دست یابی به این نوع مهاجران، را می توان از عوامل موثر در تمایل پایین به شکل گیری این مطالعات عنوان نمود. مهاجران به نقاط روستایی غالباً با سرمایه‌های مالی و مهارتهای فنی و دانش‌های نوین می توانند فرایند توسعه روستایی را تسریع بخشند. از این‌رو، انجام مطالعاتی با شناسایی این نوع مهاجران که با علت مهاجرت آنان همراه است، می‌تواند در برنامه ریزی و سیاست گذاری در مورد کاهش جریان های مهاجرتی به کلان شهرها و پویایی محیط‌های شهری کوچک و روستاها موثر باشد. بر این اساس، در این مقاله سعی شده است جهت تحلیل و شناخت بهتر از علل و تبیین کننده‌های مهاجرت‌های معکوس

در ایران، مهاجران این نوع جریانی مهاجرتی با مهاجران به کلان شهرها (نقطه مقابل مهاجران معکوس) مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد.

زمینه‌های نظری و تجربی تحلیل

مباحث نظری گیبیر (۱۹۹۶) و موسلی^۱ (۱۹۸۴) در مورد عوامل اساسی که در عقبه فرایندهای تمرکز و یا عدم تمرکز جمعیت قرار می‌گیرند، چارچوبی با ارزش را برای انتخاب متغیرهای مربوط فراهم می‌کند. گیبیر (۱۹۹۶) استدلال می‌کند که زندگی مردم را می‌توان بر اساس دو فاز مهم و ضروری که هر کدام مربوط به یک دوره جداگانه است، مشخص نمود. در مرحله تولیدگرایی^۲، توجه به مواردی همچون آموزش و پرورش، فرصتهای شغلی و درآمد بالاتر، جایگزین توجه به استانداردهای زندگی می‌شود. هنگامیکه افراد موقعیت خود در بازار کار و دستیابی به درآمد مورد انتظار را بهبود بخشیدند، به وضعیت مسکن که در فاز محیط‌گرایی قرار می‌گیرد توجه می‌کنند. پس، وی ارتباط بین تولید گرایی و محیط گرایی را توسعه می‌بخشد. برخلاف تحلیل گیبیر، موسلی (۱۹۸۴) بر مراحل مختلف زندگی توجه نمی‌کند، بلکه بیشتر بر اهمیت شغل، فرصت‌های اشتغال و توزیع فضایی آن توجه دارد. از دیدگاه وی تبیین جریان مهاجرت معکوس به دو دسته مردم محور^۳ و شغل محور^۴ تقسیم بندی می‌گردد. افراد بازنشسته، بیکار و کسانی که هیچگونه مشارکتی در نیروی کار ندارند، اجباری برای محدود شدن و ماندن در محیط کار ندارند. این گروه از افراد می‌توانند فارغ از اصل سکونت بر اساس جغرافیای فرصتهای شغلی، دست به انتخاب محل اقامت بزنند. علاوه بر این، تغییرات در بازار کار مانند افزایش دسترسی آنلاین برای انجام برخی کارها، تعداد مسافرت‌های کاری هفتگی را کاهش می‌دهد. بنابراین، از این گروه از افراد می‌توان انتظار داشت که بر خلاف جریان شهرنشینی حرکت کنند.

جریان ضدشهرنشینی^۵ می‌تواند به‌عنوان یک حرکت مهاجرتی خانواده‌ها از مکانهای بزرگتر (مرکز) به مکانهای کوچکتر (مناطق دور افتاده) تفسیر گردد (رابرت و راندولف^۱، ۱۹۸۳؛

1 Moseley

2 Productionism

3 People-led

4 Job-led

5 Counterurbanization theory

چامپیون، ۲۰۰۱؛ دامس و مک کومب^۲، ۱۹۹۹؛ استاکدیل و همکاران^۳، ۲۰۰۰؛ استاکدیل، ۲۰۰۶). رابرت و راندولف (۱۹۸۳: ۷۸) چنین بحث می‌کنند که حرکت کردن از مرکز شهر به بخشها و مناطق دیگر شهر بعنوان تمرکز زدایی تعریف می‌گردد. همچنین حرکت به صورت سلسله مراتبی از شهرهای بزرگ به کوچک و روستاها را با عنوان تراکم زدایی تعریف می‌کنند. هر دو این تعاریف و حرکات پیش شرط و پیش زمینه جریان ضد شهرنشینی به حساب می‌آیند. کومبس و همکاران^۴ (۱۹۸۹) و هالیدی^۵ و کومبس (۱۹۹۵) بیان می‌کنند که جریان ضد شهرنشینی همانند فرایند تراکم زدایی عمل می‌کند. تفسیر آنها از جریان ضد شهرنشینی، قطع رابطه حرکات مهاجرتی گذشته است. در این مورد، فرد ضد شهری نه تنها به بیرون از شهر مهاجرت می‌کند، بلکه چند منطقه روستایی را برای کار و زندگی انتخاب می‌کند و تغییراتی را در زندگی خود ایجاد می‌کند. بسیاری از مطالعات بر تغییراتی که در سیستم اسکان مشاهده شده است، متمرکزند. بنابراین، در این مطالعات تمرکز بر تغییرات حاصل از مهاجرت به سوی الگوی اسکان جدید، چیزی خواهد بود که به آن جریان ضد شهرنشینی گفته می‌شود. از این رو، از بُعد جمعیتی و شغلی می‌بایست تعادل بیشتری در این مفهوم ایجاد گردد. جریان ضد شهرنشینی تنها به معنی تغییر محل سکونت خانوارها نیست، بلکه به معنی تغییر شغل افراد و انتقال شغلی افراد شاغل نیز بکار برده می‌شود. والفورد^۶ (۲۰۰۴: ۳۱۲) معتقد است که اهمیت تغییر در توازن جمعیت بین مناطق شهری و روستایی فراتر از نقل مکان مسکونی بوده و ممکن است نشان دهنده تغییرات ساختاری در روابط قدرت اقتصادی و سیاسی باشد. وی بیان می‌کند که بحث فاصله در مهاجرت از شهرهای بزرگ، تفاوت گذار اصلی بین دو مفهوم حومه نشینی و جریان ضد شهرنشینی است. بنابراین، آنچه در این مبحث از اهمیت بالایی برخوردار است بحث فاصله است. سیستم های حمل و نقل مدرن و نیز تکنولوژی های ارتباطی جدید، دسترسی کافی را به مکان های دور دست به خوبی فراهم نموده است. بنابراین، شهروندان توانایی ارتباط با

1 Robert and Randolph

2 Dahms and McComb

3 Stockdale etal

4 Commbes etal

5 Halliday

6 Walford

مکان‌های با مسافت زیاد را دارند. ویژگی اصلی جریان ضد شهرنشینی این است که می‌بایست به مسئله اشتغال نیز مرتبط باشد. از این نظر، نه تنها افراد بلکه مشاغل نیز به مناطق پایین دست (روستاها) منتقل می‌شود و افراد تقریباً به صورت کامل از شهر اصلی (مبدأ) ارتباط خود را قطع می‌نمایند. در ارتباط با جریان ضد شهرنشینی تبیین‌های مختلفی ارائه شده که در اینجا رویکرد اقتصاد و اشتغال و تبیین‌های ویژه سنی توضیح داده می‌شوند.

یک شیوه تبیین بازگشت جمعیت به مناطق روستایی می‌تواند ارتباط بین دو موج اقتصاد و توزیع مجدد اشتغال باشد. می‌تواند رابطه مثبت بین سطح اقتصاد و خالص مهاجرت مناطق روستایی مورد بررسی قرار گیرد. زمانی که اقتصاد روند روبه رشدی دارد، شهرنشینی نیز از سرعت رو به بالایی برخوردار است و زمانی که ما شاهد رکود اقتصادی هستیم، شهرنشینی می‌تواند حرکت نزولی، کند و حتی روندی معکوس داشته باشد. بر اساس رویکرد پست فوردیسم، جریان ضد شهرنشینی زمانی اتفاق می‌افتد که بخش صنعتی اهمیت و کارایی خود را در شهر از دست می‌دهد. در این وضعیت، تقاضا برای نیروی کار ضعیف می‌شود. به دلیل وابستگی کمتر به بخش صنعت، بسیاری از افراد شاغل شغل خود را به دلیل ورشکستگی و اخراج از دست می‌دهند. فرصت‌های شغلی کمی در شهرها در دسترس قرار می‌گیرد و مراکز جدید تولید ترجیح می‌دهند به مناطق روستایی منتقل شوند. از طرفی در این وضعیت، بخش خدمات رشد قابل توجهی خواهد داشت و مشاغل خدماتی به سرعت افزایش می‌یابند. بنابراین، تجارت و شیوه‌های کسب و کار از شهرها خارج می‌شوند، نه تنها به این دلیل که هزینه‌های نگهداری و زمین در شهر در سطح بالاتری قرار دارد، بلکه به این دلیل که سازمان‌های کاری از اتحاد کمتری برخوردارند و نیز کارکنان انعطاف بیشتری در روستا دارند. در وضعیت وابستگی کمتر به بخش صنعت، کلان‌شهرها از میزان‌های بالای بیکاری رنج خواهند برد، در حالیکه در مناطق روستایی تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد. بنابراین، این می‌تواند علت جریان ضد شهرنشینی باشد و نیز می‌تواند دلیلی برای معکوس کردن رفت و آمد و مسافرت روستا-شهر باشد (کومبس و همکاران، ۱۹۸۹). بررسی شاموی و اترستروم^۱ (۲۰۰۱) نشان

1 Shumway and Otterstrom

می‌دهد که امروزه نه تنها افراد به دنبال یافتن شغل هستند، بلکه برای دستیابی به شغل به نواحی اطراف شهر نیز مهاجرت می‌کنند. زیرا نیروی کار ویژه و با کیفیت معمولاً به دنبال انتخاب محیط بهتری برای زندگی خود و فرزندان نسبت به محیط شهر و حومه شهر هستند. بنابراین، وجهه و اعتبار محیطی^۱ یک جزء مهم در انتخاب محل کسب و کار به حساب می‌آید.

بورس^۲ (۱۹۹۷)، مار و میلرد^۳ (۲۰۰۴) و استاکدیل (۲۰۰۶) به دلیل پیچیدگی انگیزه‌های افراد بر اساس سن، سه گروه سنی را در تحلیل جریان ضد شهرنشینی در نظر گرفته‌اند. مطالعات‌شان نشان داد بین سن و میزان مهاجرت شهر-روستا رابطه مثبت وجود دارد. با افزایش سن انگیزه‌ها و ترجیحات افراد نیز تغییر می‌کند و چرخه زندگی تاثیر معناداری بر تصمیم‌گیری به مهاجرت می‌گذارد. انگیزه‌های میان سالان (۲۵-۵۴ ساله‌ها) شامل مسکن راحت تر، تصور زیبا از روستا یا فرصت‌های شغلی بهتر و در کل کیفیت زندگی بهتر در مناطق روستایی است. اکثر این افراد به دنبال فراهم نمودن زندگی بهتر برای فرزندان، دست به مهاجرت می‌زنند. داشتن فرزند خود یکی از موانع برای جابه‌جایی است. از این‌رو، عمدتاً قبل از فرزند دار شدن یا قبل از اینکه فرزندان به سن مدرسه برسند مهاجرت می‌کنند. مهاجران این گروه سنی معمولاً به روستاهایی مهاجرت می‌کنند که به شهر بزرگ نزدیک باشد. بسیاری از مهاجران به مناطق روستایی، قبل از سن بازنشستگی به این مناطق مهاجرت می‌کنند. افراد واقع در گروه سنی قبل از بازنشستگی (۵۵ الی ۶۵ سالگی) ترجیح می‌دهند با فاصله بیشتری از شهر اصلی جابجا شده و به دنبال مکانی هستند که بتوانند در آنجا کار و فعالیتی را شروع و دوران بازنشستگی خود را بگذرانند. بنابراین، این گروه نه تنها به فکر تغییر محل زندگی هستند، بلکه به دنبال محلی برای شغل جدیدند. تغییرات در خانواده (مانند ترک فرزندان) نیز می‌تواند انگیزه‌های افراد را برای جابه‌جایی و مهاجرت به مناطق با آب و هوای بهتر ترغیب کند. مهاجران سنین بازنشستگی (۶۵ سال به بالا) عمدتاً تحت تاثیر مطبوعیت فضا و مکان روستا قرار دارند. این گروه به دنبال مکانی‌اند که امکانات تفریحی و بهداشتی مناسب را ارائه دهند. بنابراین، مجموعه عوامل مرتبط

1 Prestige Environment

2 Bures

3 Marr and Millerd

با محیط روستا و چرخه زندگی افراد می‌تواند قسمت‌های مهمی از علل تصمیم‌گیری افراد جهت مهاجرت به محیط‌های روستایی را تبیین نماید.

نتایج مطالعه راغفر و قاسمی اردهایی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد؛ در ترکیب سنی - جنسی، علل مهاجرت و ویژگیهای جمعیتی - اقتصادی، تفاوت معنی‌داری بین مهاجران روستا- شهر و شهر- روستا وجود دارد. علت‌های پایان و انجام خدمت و وظیفه و پایان تحصیل در مهاجرت‌های شهر به روستا مهمتر از روستا به شهر بوده و در علت‌های جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی و تحصیل، درصدهای مهاجران روستا به شهر بیشتر از شهر به روستا بوده است. این امر نشان دهنده نابرابری‌های دسترسی به حداقل‌های رفاهی و امکانات اولیه همانند آموزش و اشتغال و خدمات عمومی بین شهر و روستا است. در مطالعه ربانی و همکاران (۱۳۹۰) متغیرهایی مانند تعلق بومی، مسافت، سن، نوع مسکن، درآمد و سطح تحصیلات به عنوان عوامل اصلی مهاجرت معکوس مورد توجه قرار گرفته است. غفاری و همکاران (۱۳۹۱) به مطالعه، شناسایی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی اثر گذار بر مهاجرت معکوس از کلان شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج نشان داد در کلان شهر تهران دو عامل زیر ساخت‌های اداری و امکانات رفاهی بر روی مهاجرت معکوس اثر گذار است و عامل اول نسبت به عامل دوم دارای اثر بیشتری بوده است. چامپیون (۲۰۰۱) به این موضوع اشاره دارد که مهاجرت از شهر به روستا به عنوان یک جنبه اساسی از مهاجرت داخلی در بریتانیا مطرح است که در اصطلاح به آن جریان ضد شهرنشینی اطلاق می‌گردد. عوامل مختلفی در شکل‌گیری این فرایند نقش دارند، که عوامل سیاست مهار رشد شهرها و ترجیحات مردم برای زندگی کردن در روستاها از مهمترین آن می‌باشد. نتایج مطالعه ادوال^۱ (۲۰۰۵) در زمینه حرکت افراد از مناطق شهری به مناطق روستایی در ایالت اوپو نیجریه هم نشان داد ناامنی شغلی، یافتن کار، بازنشستگی و بالا بودن هزینه‌های زندگی از مهمترین مسایل هستند. علاوه بر این، رابطه مثبت و معناداری بین مدت ماندن مهاجران در مناطق روستایی و سن آنها وجود دارد. همچنین به نقش دولت و تاثیرگذاری آن در تشویق افراد برای رفتن و ماندن در مناطق روستایی و نیز توسعه روستایی تاکید شده است.

باتوجه به مبانی نظری و مرور مطالعات پیشین و نیز ماهیت روش تحقیق مورد استفاده، مهمترین سوالات تحقیق به شرح ذیل است:

- علل مهاجرت‌های معکوس و کلان‌شهری در مقایسه باهم چیست؟
- آیا مهاجران به هریک از کلان‌شهرها و مناطق روستایی هریک از استان‌های ایران، دلایل اجتماعی و اقتصادی متفاوتی برای مهاجرت خود دارند؟
- مهمترین تبیین‌کننده‌های مهاجرت‌های معکوس نسبت به مهاجرت‌های کلان‌شهری کدامند؟

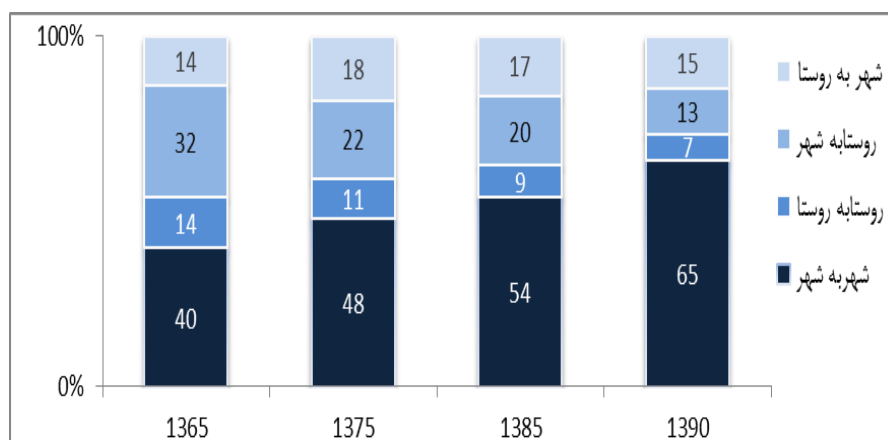
روش تحقیق و داده‌ها

روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵ به صورت محدود و سرشماری ۱۳۹۰ و داده‌های نمونه‌ای ۲٪ سرشماری ۱۳۹۰ به صورت وسیع‌تر است. واحد تحلیل "مهاجر" است. مهاجر فردی است که در فاصله زمانی دو سرشماری شهر یا آبادی محل سکونت خود را به شهر یا آبادی دیگر تغییر داده است. در سرشماری ۱۳۹۰ مهاجر فردی است که شهر یا آبادی محل سکونت خود را در بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به شهر یا آبادی دیگری تغییر داده است. در طول مدت سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در ایران حدود پنج و نیم میلیون مهاجر (جامعه آماری) در داخل مرزهای سیاسی ایران جابجا شده‌اند. در نمونه دو درصد سرشماری ۱۳۹۰ تعداد مهاجران حدود ۹۵ هزار نفر می‌باشد. با توجه به هدف مقاله، تعداد ۱۲۱۰۰ مهاجر شهر به روستا (مهاجر معکوس) و ۲۳۷۰۰ مهاجر به کلان‌شهرها در ایران (مجموع ۳۵۸۰۰ نفر) نمونه آماری در تجزیه و تحلیل‌های سطح فردی را تشکیل می‌دهد.

جهت مهاجرت‌های داخلی در ایران با تأکید بر مهاجرت معکوس

نمودار ۱ درصد مهاجران جابه‌جا شده در داخل مرزهای ایران را برحسب مبدأ و مقصد روستایی و شهری مهاجرت در سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که در طول دوره زمانی ۹۰-۱۳۵۵، بر نسبت مهاجرت‌های شهر به شهر بطور چشمگیری اضافه شده و برعکس از نسبت مهاجرت‌های روستا به روستا کاسته شده است. باتوجه به روند

افزایشی درصد شهرنشینی در ایران طی دهه‌های اخیر، این امر ایجاب می‌نماید که نسبت مهاجرت‌های اتفاق افتاده بین دو نقطه شهری نسبت به مهاجرت‌های بین دو نقطه روستایی افزایش یابد. نکته قابل توجه، روند نزولی منظم مهاجرت‌های روستا به شهر در طول ۳۵ سال اخیر است. به‌ویژه اینکه در سرشماری ۱۳۹۰ درصد مهاجرت‌های شهر-روستا (با فراوانی ۷۵۵۵۴۶ نفر) نسبت به روستا-شهر (با فراوانی ۶۵۵۲۵۱ نفر) بیشتر بدست آمده‌است. این وضعیت در ایران جدید است. می‌توان نتیجه گرفت که در افزایش نسبت جمعیت نقاط شهری ایران در پنج سال اخیر، در کنار عوامل طبیعی (باروری و مرگ‌ومیر)، مهاجرت‌های داخلی برعکس روال سال‌های قبل نقش کاهنده داشته (با موازنه مهاجرتی منفی صد هزار) و بیشتر دو عامل "تبدیل نقاط روستایی به شهر" و "ادغام روستاها در مناطق شهری" تعیین‌کننده بوده‌اند. در نمونه دو درصد سرشماری ۱۳۹۰، از ۹۵۵۴۰ مهاجر نوع مهاجرت ۶۶٪ شهر به شهر، ۷٪ روستا به روستا، ۱۲٪ روستا به شهر و ۱۵٪ شهر به روستا می‌باشد. ملاحظه می‌شود که نمونه اخذ شده از لحاظ جهت مهاجرت، توزیع هماهنگی با الگوی کل جمعیت مهاجر در ایران دارد.



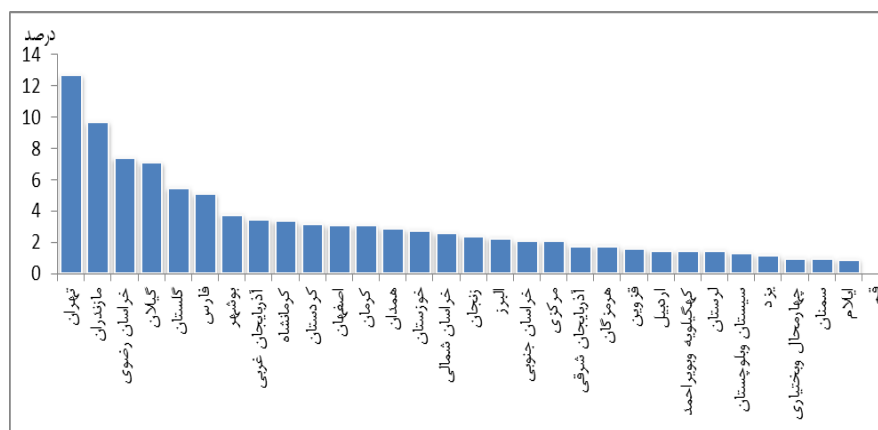
نمودار ۱. توزیع نسبی جهت مهاجرت‌های داخلی در سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰

در نمودار ۲ توزیع نسبی ۱۲۱۰۰ مهاجر معکوس نمایش داده شده است. استان‌های تهران، مازندران، خراسان رضوی، گیلان، گلستان و فارس بیشترین درصد مهاجران معکوس را دارند. برای استان قم هیچ مهاجر معکوسی در نمونه آماری وجود نداشته و استان‌های ایلام، سمنان، چهارمحال و بختیاری، یزد، سیستان و بلوچستان و لرستان کمترین این درصد را دارند. کم بودن درصد مهاجران معکوس برای استان‌های ذکر شده متأثر از حجم جمعیت کم‌شان می‌باشد. به نظر می‌رسد استان‌های مازندران و گیلان به دلیل وجود نقاط روستایی جذاب و خوش آب و هوا و استان‌های خراسان رضوی و فارس به دلیل حجم جمعیت‌شان، تعداد مهاجر معکوس زیادی از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. به دلیل نبود گزینه‌ای در زمینه وضعیت آب و هوایی برای علت مهاجرت، قایل شدن به وضعیت آب و هوایی در جذب مهاجران معکوس در حد یک علت احتمالی است. با این وجود، درصد به دست آمده برای دستیابی به مسکن مناسب‌تر به عنوان علت مهاجرت معکوس (جدول ۲) نشان می‌دهد استان‌های مازندران و گیلان درصد بالایی را در این گزینه نسبت به سایر استان‌ها به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، مسکن مناسب‌تر تحت تأثیر وضعیت اقلیمی روستا قرار گرفته و به عنوان یکی از شاخصه‌های وضعیت آب و هوایی مناطق مورد مطالعه می‌تواند مطرح گردد.

وضعیت استان‌های بوشهر و تهران خاص است. بوشهر با حجم جمعیتی کم به دلیل وجود دو آبادی منطقه ویژه پارس جنوبی ۱ و ۲ به منطقه خاص جهت جذب مهاجران معکوس تبدیل شده است. استان تهران نیز دارای آبادی‌هایی است که از تراکم جمعیتی بالایی برخوردارند. برای نمونه، دهستان منجیل آباد در شهرستان رباط کریم آبادی‌هایی که تراکم جمعیت بالایی دارند مانند پرندک، شهرک پرندک، شهر جدید پرند، پادگان امیرالمومنین، پادگان شهید چمران، اردوگاه علی آباد و غیره را دربرمی‌گیرد. ملاحظه می‌شود تعاریف اختصاصی برای آبادی بسیار متفاوت‌تر از برداشت معنایی و مفهومی باتوجه به ویژگی‌های اقتصادی، معیشتی و جمعیتی از روستاست. نکته قابل توجه اینکه مهاجران معکوس همه استان‌ها با سطوح توسعه یافتگی متفاوت را شامل شده‌اند. از ۱۲۱۰۰ مهاجر معکوس، ۲۴٪ وارد مناطق روستایی واقع در

استان‌های برخوردار^۱، ۴۶/۵٪ نیمه برخوردار و ۲۹/۵٪ محروم شده‌اند. ۳۷٪ مهاجران از شهرهای استان محل سرشماری مهاجر وارد مناطق روستایی شده و بقیه از شهرهای خارج از استان محل اقامت فعلی مهاجر می‌باشند.



نمودار ۲. توزیع نسبی مهاجران معکوس برحسب استان - ۱۳۹۰

منبع: داده‌های ۲٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

علل مهاجرت معکوس و کلان شهری در ایران

بالای ۵۰٪ مهاجران (معکوس و کلان شهری) علت مهاجرت خود را پیروی از خانوار بیان داشته‌اند که همراه با گزینه "سایر" ۶۰٪ علت مهاجرت را شامل می‌شود. دستیابی به مسکن

۱ براساس یافته‌های مطالعه روشن سنگاچین و همکاران (۱۳۹۲) سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها را به صورت ذیل می‌توان بیان کرد:

- استان‌های برخوردار: مرکزی، اصفهان، سمنان، یزد، تهران، قم، قزوین، البرز
- استان‌های نیمه‌برخوردار: گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، خوزستان، فارس، خراسان رضوی، همدان، بوشهر، زنجان
- استان‌های محروم: آذربایجان غربی، کرمان، سیستان و بلوچستان، کردستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، اردبیل، گلستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی.

مناسب‌تر (۱۳٪)، جستجوی کار (۸٪)، جستجوی کار بهتر (۴/۷٪)، انتقال شغلی (۴/۶٪)، انجام و پایان خدمت و وظیفه (۴/۵٪)، تحصیل (۴/۲٪) و پایان تحصیل (۱٪) در مراتب بعدی علل مهاجرت مهاجران قرار می‌گیرد. در علل جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی و تحصیل، درصدهای به دست آمده برای مهاجران کلان شهری بیشتر از مهاجران معکوس است. بیشترین تفاوت در علت تحصیل است، به طوریکه مهاجران وارد شده به کلان شهرها به خاطر تحصیل درصدهای ۳/۶ نمره بیشتر از مهاجران معکوس است. مهاجران معکوس در علل پایان تحصیل، انجام و پایان خدمت و وظیفه، دسترسی به مسکن مناسب‌تر و پیروی از خانوار، درصدهای بیشتری را نسبت به مهاجران کلان شهری دارند. نکته قابل توجه، تفاوت دو گروه از مهاجران مورد بررسی در علت مهاجرت انجام و پایان خدمت و وظیفه است. درصد به دست آمده در این علت مهاجرت برای مهاجران معکوس ۹ نمره بیشتر از مهاجران کلان شهری است. در جدول ۱ ملاحظه می‌شود که تفاوت‌های مشاهده شده در علت مهاجرت دو گروه از مهاجران از لحاظ آماری معنی‌دار شده و شدت رابطه نیز در سطح متوسط است.

جدول ۱. توزیع نسبی علل مهاجرت مهاجران به تفکیک نوع مهاجرت

نوع مهاجرت %		علل مهاجرت
کلان شهری	معکوس	
۸/۷	۶/۵	جستجوی کار
۴/۷	۴/۴	جستجوی کار بهتر
۵/۱	۳/۱	انتقال شغلی
۵/۳	۱/۷	تحصیل
۰/۸	۱/۲	پایان تحصیل
۱/۴	۱۰/۴	انجام و پایان خدمت و وظیفه
۱۲/۷	۱۳/۳	دسترسی به مسکن مناسب‌تر
۵۲/۱	۵۳/۲	پیروی از خانوار
۹/۲	۶/۲	سایر
۲۳۰۶۰	۱۱۹۰	تعداد
0.001 < P		Cramer's V = 0.34

منبع: داده‌های ۲٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

توزیع نسبی علل مهاجرت معکوس به تفکیک استانها (جدول ۲) الگومندی اهمیت هریک از علل مهاجرت معکوس را در استان‌های خاص نشان می‌دهد. واقع شدن دو آبادی منطقه ویژه پارس جنوبی ۱ و ۲ در دهستان عسلویه استان بوشهر موجب گردیده است حدود ۲۴٪ مهاجران به مناطق روستایی این استان دلیل مهاجرت خود را جستجوی کار مطرح نمایند. این موقعیت استثنایی استان بوشهر در صنعت نفت و گاز موجب خاص بودن از نظر جذب مهاجران معکوس نیز گردیده است. در زمینه اهمیت جستجوی کار در جذب مهاجران معکوس از نقاط شهری، استان‌های هرمزگان، سمنان، البرز و تهران به ترتیب در مراتب بعد از استان بوشهر قرار می‌گیرند. در کنار جستجوی کار، جستجوی کار بهتر نیز یکی از دلایل مهاجرت معکوس مطرح است. در این مورد، درصدهای به دست آمده برای استان‌های ایلام، زنجان، خراسان رضوی و هرمزگان بیشتر از سایر استان‌ها می‌باشد. انتقال شغلی نیز یکی دیگر از دلایل شغلی و کاری برای مهاجرت معکوس افراد است. استان‌های سمنان، کهگیلویه و بویر احمد و لرستان از جمله استان‌هایی هستند که انتقال شغلی نقش پررنگی در تراکم مهاجران معکوس در این استان‌ها داشته است. با وجود اینکه تحصیل و پایان تحصیل یکی از دلایل مهم در مهاجرت و جابه جایی افراد به‌ویژه مهاجران کلان شهری است، در مهاجرت‌های معکوس نیز نقش دارد که به ترتیب در جذب مهاجران به نقاط روستایی استان‌های ایلام، بوشهر، هرمزگان و فارس بیشترین اهمیت را دارد. انجام و پایان خدمت وظیفه می‌تواند به عنوان یکی از شاخه‌های مهاجرت‌های اجباری مطرح گردد. در شکل‌گیری اهمیت مقوله‌های نظامی و انتظامی در جهت دهی مهاجرت‌های معکوس، واقع شدن پادگان‌های نظامی و انتظامی در محدوده‌های آبادی یا شهری نقش تعیین کننده‌ای دارد. قرار گرفتن پادگان و مراکز نظامی در آبادی‌ها می‌تواند بر درصد مهاجرت‌های معکوس به خاطر انجام و پایان خدمت وظیفه افزایش دهد. در زمینه نقش انجام و پایان خدمت وظیفه در مهاجرت‌های معکوس، استان اردبیل با ۳۰٪ پیشگام بوده و بعد از آن استان‌های زنجان، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری و همدان با درصدهای بالای بیست به ترتیب بیشترین اهمیت را دارند. در تعدیل ترکیب جمعیتی مناطق جغرافیایی (نقاط روستایی و شهری) و آمایش این مناطق از لحاظ جمعیت می‌توان به مقوله خدمت وظیفه و موقعیت قرار گرفتن مراکز و پادگان‌های نظامی و انتظامی توجه ویژه‌ای نمود.

مسکن به عنوان یکی از نیازهای اولیه انسان، در ایران نقش مهمی در میزان هزینه، معیشت اقتصادی و میزان پس انداز خانوارها دارد. این امر موجب گردیده است در تصمیم‌گیری به مهاجرت افراد نیز دسترسی به مسکن مناسب‌تر به عنوان یکی از علل مهم در نظر گرفته شود. باتوجه به موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی روستاها و نیز دوری و نزدیکی به مراکز شهری و کلان شهرها، دسترسی به مسکن در روستاها می‌تواند برای مهاجران از شهرها مهم تلقی گردد. در بین استان‌های مختلف ایران در سرشماری ۱۳۹۰، اهمیت دسترسی به مسکن مناسب‌تر در نقاط روستایی استان‌های خراسان جنوبی، مازندران و گیلان برای مهاجران شهری مهم بوده است. بنابراین، با سرمایه‌گذاری در زمینه مسکن‌های روستایی و نوسازی مسکن قدیمی می‌توان زمینه‌های جذب مهاجران شهری را فراهم نمود.

جدول ۲. توزیع نسبی علل مهاجرت معکوس به تفکیک استان‌های مقصد

استان	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل و پایان تحصیل	انجام و پایان خدمت و وظیفه	دسترسی به مسکن مناسب‌تر	پیروی از خانوار	جمع
آذربایجان شرقی	۴/۵	۲/۵	۳/۰	۵/۴	۲۵/۲	۱۲/۹	۴۶/۵	۱۰۰/۰
آذربایجان غربی	۵/۳	۵/۱	۱/۹	۱/۳	۹/۸	۱۶/۸	۵۹/۸	۱۰۰/۰
اردبیل	۵/۴	۱/۸	۰/۰	۵/۴	۲۹/۹	۱۰/۲	۴۷/۳	۱۰۰/۰
اصفهان	۵/۲	۲/۰	۵/۲	۱/۷	۱۲/۷	۱۶/۲	۵۶/۹	۱۰۰/۰
البرز	۱۱/۲	۳/۶	۰/۴	۰/۴	۰/۸	۱۲/۰	۷۱/۷	۱۰۰/۰
ایلام	۶/۲	۱۱/۵	۱/۰	۹/۴	۱۷/۷	۹/۴	۴۴/۸	۱۰۰/۰
بوشهر	۲۳/۷	۶/۰	۴/۳	۷/۴	۳/۴	۹/۲	۴۶/۱	۱۰۰/۰
تهران	۱۰/۳	۳/۶	۲/۴	۰/۸	۰/۳	۱۶/۰	۶۶/۸	۱۰۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۹/۸	۳/۹	۳/۹	۴/۹	۲۲/۵	۸/۸	۴۶/۱	۱۰۰/۰
خراسان جنوبی	۲/۹	۳/۳	۳/۳	۴/۱	۶/۲	۲۱/۸	۵۸/۴	۱۰۰/۰
خراسان رضوی	۷/۱	۷/۵	۳/۸	۳/۱	۱۲/۳	۱۰/۲	۵۶/۰	۱۰۰/۰
خراسان شمالی	۶/۵	۳/۷	۴/۱	۶/۵	۲۱/۸	۱۱/۹	۴۵/۶	۱۰۰/۰
خوزستان	۳/۲	۳/۶	۴/۳	۰/۴	۱۰/۴	۱۲/۹	۶۵/۴	۱۰۰/۰
زنجان	۴/۱	۱۰/۴	۱/۵	۳/۷	۲۵/۶	۱۳/۷	۴۱/۱	۱۰۰/۰
سمنان	۱۵/۵	۴/۹	۸/۷	۱/۰	۱/۹	۹/۷	۵۸/۳	۱۰۰/۰
سیستان و بلوچستان	۹/۰	۱/۴	۴/۸	۰/۷	۲/۱	۱۱/۷	۷۰/۳	۱۰۰/۰

ادامه جدول ۲. توزیع نسبی علل مهاجرت معکوس به تفکیک استان‌های مقصد

استان	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل و پایان تحصیل	انجام و پایان خدمت و وظیفه	دسترسی به مسکن مناسب‌تر	پیروی از خانوار	جمع
فارس	۸/۶	۷/۱	۳/۸	۷/۱	۱۴/۷	۱۰/۳	۴۸/۴	۱۰۰/۰
قزوین	۶/۵	۳/۸	۳/۸	۱/۱	۸/۱	۱۵/۷	۶۱/۱	۱۰۰/۰
قم	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
کردستان	۲/۲	۳/۶	۳/۰	۳/۹	۱۵/۴	۱۴/۶	۵۷/۳	۱۰۰/۰
کرمان	۷/۵	۴/۹	۴/۹	۶/۰	۸/۶	۱۵/۸	۵۲/۳	۱۰۰/۰
کرمانشاه	۴/۷	۲/۱	۳/۴	۲/۳	۴/۹	۱۶/۱	۶۶/۴	۱۰۰/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۴/۸	۴/۲	۷/۷	۴/۲	۲/۴	۱۲/۵	۶۴/۳	۱۰۰/۰
گلستان	۳/۲	۴/۰	۱/۱	۲/۱	۲۰/۱	۱۱/۶	۵۸/۰	۱۰۰/۰
گیلان	۴/۵	۳/۷	۱/۸	۱/۹	۱۶/۲	۱۷/۸	۵۴/۲	۱۰۰/۰
لرستان	۵/۰	۱/۹	۷/۵	۱/۲	۶/۸	۱۱/۲	۶۶/۵	۱۰۰/۰
مازندران	۳/۵	۵/۶	۳/۵	۳/۲	۹/۳	۱۹/۷	۵۵/۲	۱۰۰/۰
مرکزی	۴/۲	۵/۹	۲/۵	۱/۷	۱۷/۶	۱۴/۳	۵۳/۸	۱۰۰/۰
هرمزگان	۱۶/۱	۷/۳	۵/۲	۷/۳	۸/۸	۱۰/۴	۴۵/۱	۱۰۰/۰
همدان	۴/۳	۳/۱	۶/۸	۰/۹	۲۲/۲	۱۰/۸	۵۱/۹	۱۰۰/۰
یزد	۸/۱	۵/۹	۵/۲	۵/۲	۲/۲	۱۶/۳	۵۷/۰	۱۰۰/۰

منبع: داده‌های ۲٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

علت‌هایی که اشاره شد به همراه علت مهاجرت "سایر" تقریباً ۵۰٪ علل مهاجرت افراد را شامل می‌شود. ۵۰٪ بقیه مهاجرت‌ها به خاطر پیروی از خانوار صورت می‌گیرد. نقاط روستایی استان‌های البرز، سیستان و بلوچستان، تهران، لرستان، و کرمانشاه در جذب مهاجران شهری که به خاطر پیروی از خانوار مهاجرت کرده‌اند به ترتیب بیشترین اهمیت را دارند. بالای ۷۰٪ مهاجرت‌های صورت گرفته به دو استان البرز و سیستان و بلوچستان به خاطر پیروی از خانوار بوده است. درکل، توزیع مهاجران معکوس برحسب علت مهاجرت در استان‌ها به یک الگو نبوده و در هریک از دلایل مهاجرت می‌توان استان‌های پیشگام را مشخص نموده و در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی روستاها به آنها توجه نمود.

آزمون آماری وی کرامرز نشان می‌دهد که تفاوت علل مهاجرت در کلان شهرهای کشور با شدت متوسط معنی‌دار است. در علت‌های جستجوی کار و جستجوی کار بهتر درصدی که برای کلان شهرهای تهران، اهواز و مشهد به دست آمده بیشتر از سایر کلان شهرهاست. در انتقال شغلی هم در کنار تبریز، باز هم دو کلان شهر اهواز و مشهد بیشترین درصد را در مقایسه با سایر کلان شهرها به خود اختصاص داده‌اند. در زمینه تحصیل و پایان تحصیل به عنوان علت مهاجرت، درصد به دست آمده برای قم قابل توجه است. ۱۵٪ علت مهاجرت به قم به خاطر تحصیل و پایان تحصیل است. بعد از آن نیز کلان شهرهای تبریز و مشهد قرار می‌گیرد. وجود مراکز آموزشی (دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی و حوزه‌های علمیه) و تمرکز این مراکز در کلان شهرها در تشدید موج‌های مهاجرتی به سمت کلان شهرها موثر است. برخلاف مهاجرت‌های معکوس، با وجود اینکه انجام و پایان خدمت وظیفه نقش چندان مهمی در افزایش جریان‌های مهاجرتی به کلان شهرها ندارد، کلان شهرهای مشهد، اصفهان و تبریز جزو کلان شهرهای مقصد برای مهاجرت‌های ناشی از خدمت وظیفه هستند. در کلان شهرها، وضعیت مسکن (ملکی و استیجاری) و نحوه دسترسی به آن از مقوله‌های مهمی است که زندگی ساکنین آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای بدست آوردن مسکن مناسب‌تر، سه کلان شهر کرج (۱۸/۳٪)، تهران (۱۵/۶٪) و شیراز (۱۵/۳٪) در اولویت و اهمیت اول مهاجران به این مناطق شهری‌اند. دسترسی به مسکن مناسب‌تر در کلان شهر کرج برای مهاجران از سایر مناطق شهری استان تهران به ویژه کلان شهر تهران قابل توجه است، ولی پیگیری مقوله دسترسی به مسکن

مناسب‌تر در کلان شهر تهران که قیمت ملک و اجاره واحد مسکونی خیلی بالاست، جای بحث و بررسی دارد. در پیروی از خانوار هم سه کلان شهر کرج، قم و اهواز سه مقصد مهاجرتی مهم در مقایسه با سایر کلان شهرها می‌باشند.

جدول ۳. توزیع نسبی علل مهاجرت به تفکیک کلان شهرهای مقصد

کلان شهرها	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل و پایان تحصیل	انجام و پایان خدمت و وظیفه	دسترسی به مسکن مناسب‌تر	پیروی از خانوار	جمع
تبریز	۵/۳	۴/۸	۷/۶	۱۱/۰	۲/۹	۱۱/۲	۵۷/۴	۱۰۰/۰
اهواز	۹/۳	۶/۰	۷/۴	۵/۷	۱/۱	۹/۹	۶۰/۵	۱۰۰/۰
شیراز	۶/۶	۴/۲	۶/۲	۷/۵	۱/۰	۱۵/۳	۵۹/۲	۱۰۰/۰
مشهد	۹/۳	۵/۷	۷/۵	۸/۳	۴/۶	۷/۹	۵۶/۷	۱۰۰/۰
اصفهان	۷/۴	۴/۴	۵/۰	۶/۷	۳/۰	۱۴/۱	۵۹/۴	۱۰۰/۰
تهران	۱۳/۵	۶/۶	۵/۷	۶/۶	۰/۸	۱۵/۶	۵۱/۲	۱۰۰/۰
قم	۶/۵	۴/۹	۵/۹	۱۴/۸	۱/۶	۵/۷	۶۰/۶	۱۰۰/۰
کرج	۸/۸	۳/۸	۳/۵	۲/۲	۰/۴	۱۸/۳	۶۳/۱	۱۰۰/۰
0.001 < P Cramer's V = 0.29								

منبع: داده‌های ۲٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

تبیین‌کننده‌های احتمال وقوع مهاجرت‌های معکوس و کلان شهری

با استفاده از آزمون رگرسیون لوجستیک دوجویی، تأثیر مجموع متغیرهای مستقل بر احتمال مهاجرت معکوس (در مقایسه با مهاجرت کلان شهری) مورد بررسی قرار می‌گیرد. متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در مدل‌های رگرسیون عبارتند از: جنس (مرد/زن)، سن (زیر ۱۵ سال / ۱۵-۲۹ سال / ۳۰-۴۹ سال / ۵۰ ساله و بزرگتر)، سطح تحصیلات (بی‌سواد و ابتدایی / راهنمایی و متوسطه / دانشگاهی)، وضع تأهل (مجرد / متأهل)، علت مهاجرت (کاری / تحصیلی / نظامی /

دسترسی به مسکن / پیروی از خانوار / سایر)، شغل (نظامی و انتظامی / قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران / متخصصان / تکنسین‌ها و دستیاران / کارمندان اداری و دفتری / کارکنان خدماتی و فروشندگان / کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری / صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط / مونتاژکاران و رانندگان / کارگران ساده). نوع مهاجرت هم به صورت معکوس = ۱ / کلان شهری = ۰ بعنوان متغیر پیش‌بینی شونده وارد مدل‌ها شده است. با توجه به کای اسکوئر مدل‌های پنجگانه، تأثیر متغیرهای مستقل وارد شده در هر یک از مدل‌ها و ارتباط آنها با نوع مهاجرت معکوس و کلان شهری در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. افزایش تدریجی مقدار کای اسکوئر در مدل‌های رگرسیون نشان دهنده برازش بهتر مدل پنجم نسبت به چهار مدل دیگر است. جدول ۴ مدل‌ها و احتمال پیش‌بینی هر یک از متغیرهای مستقل در مورد وقوع مهاجرت‌های معکوس در مقایسه با مهاجرت‌های کلان شهری را نشان می‌دهد.

در مدل اول، شغل مهاجر بعنوان تنها متغیر مستقل وارد رگرسیون شده است. شغل مهاجر ۲۴٪ از تغییرات مهاجرت‌های معکوس و کلان شهری را تبیین می‌کند. نسبت‌های بخت نشان می‌دهد احتمال مهاجرت معکوس نظامیان، قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران، متخصصان، تکنسین‌ها و دستیاران، کارمندان اداری و دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگان، صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط، مونتاژکاران و رانندگان خیلی کمتر از کارگران ساده است. پایین‌ترین این احتمال برای متخصصان، قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران و کارمندان اداری و دفتری است. این در حالی است که احتمال مهاجرت کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری خیلی بیشتر و هشت برابر مهاجرانی است که کارگر ساده هستند. بنابراین، احتمال مهاجرت معکوس در بین کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری و در مرتبه بعد کارگران ساده بسیار بیشتر از سایر مشاغل دولتی و غیردولتی است.

متغیر بعدی که در تبیین مهاجرت‌های معکوس و کلان شهری مؤثر است، علت مهاجرت است. این متغیر به تنهایی ۹٪ تغییرات نوع مهاجرت را تبیین می‌کند. نتایج مدل دوم نشان می‌دهد احتمال مهاجرت معکوس (و نیز کلان شهری) در بین کسانی که به دلایل کار (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی)، تحصیل و سایر دلایل مهاجرت کرده‌اند به یک اندازه است. ولی مهاجرانی که جهت انجام و پایان خدمت وظیفه مهاجرت کرده‌اند احتمال مهاجرت

معکوس‌شان حدود ۸ برابر کسانی است که سایر دلایل را برای مهاجرت خود برشمرده‌اند. این احتمال برای کسانی که جهت دستیابی به مسکن مناسب‌تر اقدام به مهاجرت کرده‌اند دو برابر است. احتمال مهاجرت معکوس در میان مهاجران تبعی (به خاطر پیروی از خانوار) نیز بیشتر از طبقه مرجع (سایر) است، ولی میزان تأثیر آن کم بوده به طوری که در مدل چهارم با وارد شدن متغیر سن میزان تأثیر آن غیرمعنی‌دار می‌گردد. این امر به وضوح نشان می‌دهد که اثرگذاری (پیش‌بینی‌کنندگی) پیروی از خانوار به عنوان علت مهاجرت بر احتمال وقوع مهاجرت معکوس ناشی از سن مهاجران است. کسانی که به خاطر پیروی از خانوار اقدام به مهاجرت می‌کنند در سنین کودکی و نوجوانی قرار گرفته و در این سنین وابسته است که احتمال مهاجرت معکوس بیشتر از کلان‌شهری می‌باشد.

با وجود اینکه قدرت تبیین‌کنندگی متغیر تحصیلات (۰/۲٪) در سطح پایینی است، با این حال یکی از متغیرهای جمعیتی-اجتماعی است که توانسته است وقوع مهاجرت‌های معکوس را تحت تأثیر قرار دهد. مهاجرانی که تحصیلات ابتدایی و نهضت دارند ۲/۳ برابر و آنهایی که تحصیلات راهنمایی و متوسطه دارند ۱/۷ برابر نسبت به مهاجران دارای تحصیلات دانشگاهی اقدام به مهاجرت معکوس کرده‌اند. از لحاظ شدت اثرگذاری، متغیرهای سن و وضع تأهل مهاجران ضعیف‌ترین متغیرهای پیش‌بین در وقوع مهاجرت‌های معکوس نسبت به مهاجرت‌های کلان‌شهری است. احتمال وقوع آن در بین مهاجران کودک و نوجوان (زیر ۱۵ سال) ۳ برابر، در بین مهاجران جوان (۲۹-۱۵ ساله) ۲/۴ برابر و در بین مهاجران میان‌سال (۴۹-۳۰ ساله) ۲/۲ برابر مهاجران پا به سن گذشته (۵۰ ساله و بیشتر) است. وضع تأهل نیز نشان می‌دهد که احتمال مهاجرت معکوس در بین متأهل‌ها بیشتر از مجردهاست. اثرگذاری وضع تأهل بر وقوع مهاجرت‌های معکوس و کلان‌شهری در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و بسیار ضعیف است.

جدول ۴. پیش‌بینی‌کننده‌های احتمال مهاجرت معکوس در مقابل مهاجرت کلان شهری

متغیرها	مقوله‌ها	نسبت پخت‌ها				
		مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
شغل	نظامی و انتظامی	۰/۵۶**	۰/۶۷**	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۲
	قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	۰/۲۰**	۰/۲۴**	۰/۳۵**	۰/۳۸**	۰/۳۸**
	متخصصان	۰/۱۸**	۰/۲۳**	۰/۳۸**	۰/۴۰**	۰/۴۰**
	تکنسین‌ها و دستیاران	۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۳۶**	۰/۳۷**	۰/۳۷**
	کارمندان اداری و دفتری	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۳۱**	۰/۳۲**	۰/۳۲**
	کارکنان خدماتی و فروشندگان	۰/۳۱**	۰/۳۲**	۰/۳۵**	۰/۳۶**	۰/۳۶**
	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ...	۷/۹**	۶/۲**	۶/۷**	۷/۴**	۷/۵**
	صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط	۰/۸۶**	۰/۸۴**	۰/۸۷**	۰/۸۷**	۰/۸۷**
	موتورکاران و رانندگان کارگران ساده (مرجع)	۰/۶۷**	۰/۸۸**	۰/۸۲**	۰/۸۶**	۰/۸۶**
	جستجوی کار و کار بهتر و انتقال شغلی تحصیل و پایان					
علت مهاجرت	تحصیل		۱/۱	۱/۳	۱/۲	۱/۲
	انجام و پایان خدمت و طبقه		۷/۷**	۷/۸**	۷/۳**	۷/۳**
	دستیابی به مسکن مناسب‌تر		۲/۰**	۱/۹**	۱/۹**	۱/۹**
	پیری از خانواده سایر (مرجع)		۱/۳*	۱/۳*	۱/۲*	۱/۲*
تحصیلات	ابتدایی و نهضت			۲/۲**	۲/۳**	۲/۳**
	راهنمایی و متوسطه دانشگاهی (مرجع)			۱/۷**	۱/۷**	۱/۸**
سن	< ۱۵					۳/۴*
	۱۵-۲۹					۲/۵**
	۳۰-۴۹					۲/۲**
وضع تأمل	متأمل					۱/۲*
	مجرد (مرجع)					
Chi-square						۲۵۹۶**
Nagelkerke R Square						۰/۳۶

*. معنی‌داری در سطح $P < 0.05$ *. معنی‌داری در سطح $P < 0.001$

منبع: داده‌های ۲٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

ملاحظه می‌شود موقعیت‌های شغلی مهاجران (نوع شغل و تا حدود زیادی علت مهاجرت) به عنوان مقوله‌های اقتصادی و اجتماعی نقش بسیار مهم و پررنگی در وقوع و تصمیم‌گیری به مهاجرت‌های معکوس و کلان شهری دارند و متغیرهای جمعیت‌شناختی در مراتب بعد از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند. با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل تعریف شده برای معادله رگرسیون لوجستیک، تنها متغیر جنس وارد مدل نهایی نشده است و نشان می‌دهد مرد و زن بودن مهاجران نقش چندانی در مشخص نمودن نوع مهاجرت آنها نداشته است. البته جنس به

تنهایی و نیز همراه با متغیرهای علت مهاجرت، تحصیلات، سن و وضع تأهل اثر معنی‌داری بر مهاجرت‌های معکوس و کلان شهری دارد، ولی با وارد شدن متغیر شغل به معادله رگرسیون معنی‌داری رابطه آن از بین می‌رود. بنابراین، رابطه معنی‌داری بین جنس و نوع مهاجرت به واسطه اثرگذاری جنس (مرد و زن بودن) بر نوع شغل مهاجران بوده و با کنترل اثر شغل مهاجران در معادله رگرسیون ملاحظه می‌شود که اثرگذاری جنس بر نوع مهاجرت از بین می‌رود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت، هرگونه تغییر محل اقامت بلند مدت از مبدأهای شهری به مقصدهای روستایی را مهاجرت معکوس گویند. با توجه به تقسیم‌بندی‌هایی که از جانب مرکز آمار ایران صورت گرفته است، در داده‌های سرشماری نقطه مقابل شهر "آبادی" است. در تعریف آبادی نیز معیارهای حجم جمعیت و شغل و معیشت افراد مورد توجه نبوده و تعداد زیادی آبادی وجود دارد که از لحاظ ریخت‌شناسی، تعداد جمعیت و شغل ساکنان آن به هیچ عنوان قابل تشخیص از شهر نمی‌باشند. بنابراین، برخی از عوامل زیست-محیطی، مشاغل مربوط به حوزه کشاورزی و غیره که در مطالعات و مبانی نظری مهاجرت معکوس به عنوان متغیرهای تعیین‌کننده این جریان مهاجرتی بودند، در این مطالعه نمی‌توانستند به عنوان متغیرهای مستقل و تبیین‌کننده مطرح گردند.

در یک تقسیم‌بندی کلی، در ایران استان‌هایی که بیشترین سهم را از جریان مهاجرت معکوس کل کشور دارند، علاوه بر حجم جمعیت‌شان تابع دو دسته از عوامل‌اند. یکی داشتن آبادی‌هایی که نواحی صنعتی-اقتصادی و اقامت‌گاه‌های جمعیتی را در خود جای داده‌اند (همانند استان‌های تهران و بوشهر). در اینجا، این تعریف و تفسیر از اصطلاح روستاست که موجب می‌شود برخی از استان‌ها برخلاف وضع فعالیت اقتصادی و حجم جمعیت‌شان، درصد بیشتری از مهاجران معکوس را در خود جای دهند. دیگری هم به وضع زیست-محیطی، فعالیت کشاورزی و سطح رفاهی روستاهای استان‌ها برمی‌گردد. استان‌های مازندران، گیلان و گلستان از جمله استان‌هایی‌اند که روستاهایشان دارای وضعیت آب و هوایی و وضع زیستی بهتری نسبت به

روستاهای سایر استان‌هاست. این وضعیت مطلوب روستاهای این استان‌ها موجب گردیده است جمعیت مهاجر معکوس بیشتری جذب این استان‌ها گردد. در تحلیل علت‌های مهاجرت، ملاحظه گردید مهاجران شهری که دستیابی به مسکن مناسب‌تر در روستاها را به عنوان یکی از دلایل مهاجرت معکوس خود برشمرده‌اند، در مقایسه با سایر استان‌ها بیشتر استان‌های مازندران و گیلان را انتخاب کرده‌اند. در تبیین‌های ساختاری جریان ضدشهرنشینی، تصویر و ذهنیت از روستا یکی از تبیین‌کننده‌های مهم در مهاجرت معکوس افراد تلقی می‌گردد. بطوریکه دامس و مک کومب (۱۹۹۹) در مطالعه خود نشان داده‌اند شدت مهاجرت معکوس بیشتر به سمت روستاهایی است که دارای مناظر طبیعی و وضعیت آب و هوایی بهتری هستند.

باتوجه به مراحل زندگی افراد (میانسالی، قبل از بازنشستگی و بازنشستگی) دلایل انتخاب روستا به عنوان محل زندگی ازجانب شهرنشینان متفاوت می‌باشد. در این بین تصور زیبا از روستا، تربیت راحت‌تر فرزندان در روستا، کیفیت زندگی بهتر در روستا، فرصت‌های شغلی بهتر در روستا و داشتن آرامش در روستا ازجمله مهمترین دلایل مهاجرت است که در چرخه زندگی افراد این دلایل متفاوت می‌باشد. در مطالعه حاضر رگه‌هایی از تأثیرگذاری بازنشستگی افراد در قوت گرفتن مهاجرت معکوس به دست نیامد. سن یکی از متغیرهایی است که قدرت تبیین‌کنندگی خیلی ضعیفی روی نوع مهاجرت‌های صورت گرفته داشته است. در مطالعه ربانی و همکاران (۱۳۹۰) هم بین سن مهاجران معکوس با انگیزه‌های مهاجرت آنها رابطه معنی داری ملاحظه نگردید. در مطالعه پیش روی برخلاف مطالعات پیشین، افراد بیشتر در سنین کودکی، نوجوانی، جوانی و میانسالی وضعیت مهاجرت معکوس داشته‌اند و در سنین ۵۰ ساله به بالا بیشتر اقدام به مهاجرت‌های کلان شهری نموده‌اند. بالا بودن درصد و احتمال مهاجرت تبعی در بین مهاجران معکوس نسبت به مهاجران کلان شهری نیز به این وضعیت سنی متفاوت دو گروه از مهاجران برمی‌گردد. مهاجران معکوسی که بیشتر در سنین وابستگی به خانوار قرار گرفته و با مهاجرت سرپرست خانوار اینها نیز اقدام به مهاجرت نموده‌اند. لاور^۱ (۲۰۰۷) در مطالعه خود به اهمیت خانواده در مهاجرت معکوس اشاره داشته و وجود یکی از اعضای خانواده در روستا یا

مهاجرت آنان به روستا را یکی از انگیزه‌هایی برشمرده است که زمینه را برای مهاجرت و ایستگان وی مهیا می‌کند.

احتمال مهاجرت به خاطر دستیابی به مسکن مناسب‌تر در بین مهاجران معکوس بیشتر از کلان شهری است. البته این امر می‌تواند در ارتباط و همبسته با متغیرهای مطبوعیت روستایی همانند ارزان بودن مسکن، هزینه‌های پایین ساخت مسکن، نبود هزینه‌ها و تشریفات اداری (جواز ساخت و غیره) برای ساخت مسکن، خوبی آب و هوا، محیط آرام و درکل هزینه پایین زندگی در نظر گرفته شود. مسکن‌های روستایی که با سرمایه‌گذاری و نوسازی در آن می‌توان بسترهای جذب مهاجران شهری را فراهم نمود. در نظریه گیر (۱۹۹۶) مسکن مناسب و استانداردهای آن به عنوان یکی از عوامل موثر در جهت دادن افراد به مهاجرت‌های معکوس می‌باشد. مطابق مطالعه ایلریس^۱ (۱۹۹۰) افراد با درآمد پایین در نقاط شهری برای به دست آوردن خانه‌های بزرگ‌تر و مناسب‌تر اقدام به مهاجرت به نقاط روستایی می‌نمایند. البته باید توجه نمود که نوسازی مساکن روستایی نایستی مطابق با الگوهای زندگی شهری و مخالف با سبک زندگی و معیشت خود ساکنان روستایی باشد. مطالعه قاسمی اردهایی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۱) نشان داد در مسکن‌های جدید روستایی که در چارچوب طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی احداث شده‌اند؛ معماری روستایی، فرهنگ روستا و روستا نشینی و شیوه معیشت روستاییان نادیده گرفته شده است. این امر پیامدهای منفی همانند تغییر جهت زندگی روستاییان از اقتصاد معیشتی و خودکفا به اقتصاد مصرفی، به وجود آمدن تضاد فرهنگ بومی و تجدد گرایی و تغییر جهت زندگی روستاییان از ساده زیستی به تجمل گرایی با خود به همراه داشته است.

بیشترین تفاوت در مقوله‌های علت مهاجرت بین مهاجران معکوس و کلان شهری به علت مهاجرت جهت انجام و پایان خدمت وظیفه برمی‌گردد. مقوله‌ای که در مطالعات پیشین کمتر به آن پرداخته شده و در مطالعه راغفر و قاسمی اردهایی (۱۳۸۸) براساس داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ نشان داده شده است که مهاجران بین شهرستانی شهر به روستا (معکوس) درمقایسه با

1 Illeris

روستا به شهر بیشتر روستاییانی هستند که جهت انجام و پایان خدمت وظیفه به مبدأ خود برگشته‌اند. مطالعه آمار و درصد مهاجران برگشتی بین دو نوع مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر این تحلیل را پشتیبانی می‌نماید. در این مطالعه نیز مقصد اکثر مهاجرت‌های ناشی از انجام و پایان خدمت وظیفه روستاها بوده و مقصدهای کلان شهری سهم بسیار ناچیزی در این امر داشته‌اند. در تبیین احتمال وقوع مهاجرت معکوس توسط علت مهاجرت، علت انجام و پایان خدمت وظیفه بیشترین نقش را داشته و در پیش بینی مهاجرت‌های معکوس در آینده به مقوله خدمت وظیفه که خاص مردان نیز است، باید توجه نمود. وجود پادگان‌های نظامی، اقامت‌گاه‌های نظامی، خانه‌های سازمانی و مراکز رفاهی نظامیان بیشتر در محدوده آبادی‌ها، توانسته است نقش مهمی در اهمیت یافتن این عامل در تبیین نوع مهاجرت‌های صورت گرفته داشته باشد.

همگام با نتایج مطالعه شاموی و اترستروم (۲۰۰۱) در این تحقیق نیز شغل مهمترین تبیین‌کننده مهاجرت‌های معکوس و کلان شهری است، بطوریکه دو سوم تغییرات احتمال وقوع مهاجرت‌های مورد بررسی توسط شغل مهاجران تبیین گردیده است. مطابق با تحلیل‌های برآمده از مطالعات گیبیر (۱۹۹۶) و موسلی (۱۹۸۴)، تغییرات فضایی فرصتهای شغلی ممکن است برانگیزاننده جریان مهاجرت ضد شهری باشد. توسعه سرمایه گذاری در زمینه صنعت توریسم، ایجاد زمینه‌های اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی و دوردست می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان مهاجرتی به سمت مناطق پایین‌تر از سیستم شهری و مناطق روستایی باشد. می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که افراد بیکار و نیز آنهایی که خارج از دایره نیروی کار قرار دارند، یک ویژگی مشترک دارند و آن هم اینکه اجباری برای دسترسی به بازار کار ندارند. این موضوع می‌تواند به سادگی تمایل آنان را برای مهاجرت از شهر و شکل‌گیری جریان مهاجرتی ضد شهری البته با ثابت بودن تمام عوامل دیگر، افزایش دهد.

به طور کلی می‌توان بیان کرد که جریان مهاجرت معکوس، یک فرایند پیچیده تراکم‌زدایی است که شامل تغییر نسبی در سبک زندگی مهاجران خواهد بود. این تغییرها را فرد مهاجر به دلخواه خواسته و در پذیرش آن تقریباً اجباری متحمل نشده است. بنابراین، در روند تصمیم‌گیری جهت حرکت از شهر، اهمیت عوامل ضعیف نیز (به عنوان مثال محیط زیست،

ایمنی، محله) نسبت به عوامل قوی تر (مانند اشتغال، درآمد، هزینه‌های زندگی) قابل ملاحظه و مهم است. بنابراین، نیاز به دامنه گسترده‌ای از داده‌های پیمایش و میدانی خواهد بود تا بتوان مجموعه‌ای از عوامل مرتبط با مبدأ شهری و مقصد روستایی را در این فرایند تصمیم‌گیری به مهاجرت معکوس مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داد.

منابع

- راغفر، حسین و علی قاسمی اردهایی (۱۳۸۸). "علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی مهاجران بین شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال چهارم، شماره ۸، صص ۶۱-۳۹.
- ربانی، رسول؛ زهرا طاهری و زهرا روستا (۱۳۹۰). "بررسی علل انگیزه های مهاجرت معکوس و تاثیر آن بر توسعه اجتماعی - اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)"، *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۰۸-۸۳.
- روشن سنگاچین، داود؛ صمد اصغری؛ سعیدرضا قدرت و شراره رخشان (۱۳۹۲). "سنجش توسعه-یافتگی استان‌ها با توجه به برخی از شاخص‌های ترکیبی حاصل از نتایج دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰"، مقاله ارایه شده در پنجمین همایش آمار رسمی ایران: تحلیل یافته‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۵ و ۶ آذر ماه ۱۳۹۲.
- غفاری، فرهاد؛ هاشم نیکومرام و ثنا کنعانی مقدم (۱۳۹۱). "شناسایی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر مهاجرت معکوس مطالعه موردی کلان شهر تهران"، *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، سال چهارم، شماره ۹، صص ۶۹-۵۷.
- قاسمی‌اردهایی، علی و ولی‌اله رستمعلی‌زاده (۱۳۹۱). "اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی"، *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۳۹، صص ۸۴-۶۷.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، *داده‌های خام ۲٪ سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰*، سایت مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران، *سرشماری‌های نفوس و مسکن ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰*.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (۱۳۹۲). *قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*.

- Adewale, J. (2005). "Socio-economic factors associated with urban-rural migration in Nigeria: a case study of Oyo state", *Nigeria, Hum.Ecol*, 17(1): 13-16.
- Brown, D., and E. Wardwell (1981). *New directions in Urban-Rural Migration: the population turnaround in rural America*, Academic Press.
- Bures, R. (1997). "Migration and the life course: is there a retirement transition?", *International Journal of Population Geography*, 3: 109-119.
- Champion. A. (1989). *Counterurbanisation –the changing pace and nature of population Deconcentration*, London: Edward Press.
- Champion.T. (2001). "The continuing urban-rural population movement in Britain: trends, patterns, significance", *Space, Population*, 1(2): 37-51.
- Commbes, M., R. Longa and S. Raybould (1989). "Counterurbanisation in Britain and Italy: a comparative critique of the concept, causation and evidence", *Progress in planning*, 32:70-92.
- Dahms, F., and J. McComb (1999). "Counter urbanization, interaction and functional change in a rural amenity area-a Canadian example", *Rural Studies*, 15(2): 129-146.
- Ferry, W. (1989). "United States: counter urbanization and metropolis depopulation", *Counter Urbanization, the Changing Pace and Nature of Population Deconcentration*, Champion AG, London: Edward Press.
- Geyer, H. (1996). "Expanding the theoretical foundation of differential urbanization", *Social Geography*, 87: 44-59.
- Geyer, H., and T. Kontuly (1996). *Differential urbanization: integrating spatial models*, London: Edward Press.
- Gordon, P. (1979). "Dconcentration without a clean break", *Environment and Planning*, 11: 281-290.
- Halliday, J., and M. Commbes (1995). "In search of counter urbanization: some evidence from Devon on the relationship between patterns of migration and motivation", *Rural Studies*, 11(4): 433-446.
- Illeris, S. (1990). "Counter-urbanization revisited: the new map of population distribution in central & north-western Europe", *North Geographic*, 44: 39-52.
- Laoire, C. (2007). "The green grass of home? Return migration to rural Ireland", *Rural Studies*, 23: 332-344.
- Lewis, G. (1998). *Rural migration and demographic change in Ilbery*, *Geography of rural change*, London: Longman.
- Lewis, G. (2000). "Changing places in a rural world: the population turnaround in perspective", *Geography*, 85(2): 157-165.
- Marr.W., and F. Millerd (2004). "Migration of elderly household in Canada, 1991-1996: determinants and differences population", *Space and Place*, 10: 435-454.
- Mosley, M. (1984). "The revival of rural area in advanced economies: A review of some causes and consequences", *Geoforum*, 15: 447-456.
- Robert, S., and W. Randolph (1983). "Beyond decentralization: the evolution of population distribution In England and Wales", *Geoform*, 14(1):75-102.

- Shumway, J., and S. Otterstrom (2001). "Spatial patterns of migration and income change in the mountain west: the dominance of service-based, amenity-rich countries", *The Professional Geographer*, 53(4): 492-502.
- Stockdale, A. (2006). "The role of a retirement transition in the repopulation of rural areas", *Population, Space and place*, 12: 1-13.
- Stockdale, A., A. Findlay, and D. Short (2000). "The repopulation of rural Scotland: opportunity and threat", *Rural Studies*, 16: 243-257.
- Walford, N. (2004). "Searching for a residential resting place: population in-migration and circulation in Mid-Wales", *Population, Space and Place*, 10: 311-329